

# تفکرات فلسفی اعلیحضرت و اعتبار آن

## «آنوقت هم نبود»

(۳)

امیرفیض- حقوقدان

سوال؛ شما در سال ۱۹۸۰ سوگند خوردید بعنوان ولیعهد و اکنون میفرمائید شکل حکومت برای من مطرح نیست (پایان سوال)

در اینوقت اعلیحضرت کلام سوال کننده را قطع و میفرمایند

**«آنوقت هم نبود»**

جمله کوتاهی و متشکل از سه کلمه است ولی بار حقوقی آن اگر در جایگاه اصالت قرار گیرد بسیار سنگین و غیرقابل تحمل است. ونخستین فساد آن، در مجرای بی اعتبار شدن سوگند نهم آن اعلیحضرت و اثرات آن منجر به قطع تداوم سلطنت آنهم برپایه کره و تدلیس براه خواهد افتاد.

اهمیت این مورد در آن است که برخلاف برخی اظهارات اعلیحضرت که موازی با سوگند سلطنت نیست، میتوان جنبه نظریه رابه آن داد؛ که چون بطور کلی نظریه پایگاه التفاتی و اعتباری نسبت به نص ندارد آن نظر، چندان محط توجه و اعتراض قرار نمیگیرد، ولی عبارت «آنوقت هم نبود» نظر محسوب نمیشود بلکه اذعان



به عدم وجود قصد واراده ای است که سوگند و مراتب دیگر سوگند پشتیبان اصالت آن قرار گرفته است. بنابراین؛ میتواند مانعی شناخته شود در جهت حفظ تداوم مشروعیت سلطنت که زیربنای فلسفه مبارزه سلطنت طلبان است.

**تجزیه تحلیل عبارت مزبور**

تحلیل عبارت «آنوقت هم نبود» در کنار پرسش سوال کننده، رساگر این مفهوم است که اعلیحضرت بهنگام ادای سوگند هم قائل به تفاوتی در شکل حکومت از پادشاهی مشروطه و جمهوری نبوده اند در

حالیکه متن سوگند اعلیحضرت کاشف از قصد و رضای کامل و منسجم و استوار بر قبول مسئولیت های پادشاهی است و این تعارض نابهنگام و پدید آن نخستین هدف این تحریر است.

نخست اجازه فرمایند متن سوگند نهم آبان اعلیحضرت که بایان اخیر اعلیحضرت به جایگاه شک نزدیک شده است به اینجا آورده شود که از مبانی استحکام این تحریر خواهد بود.<sup>۱</sup>

## پیام بمناسبت اعلام قبول سلطنت (نهم آبان ۱۳۵۹ شمسی = ۲۵۱۹ ایرانی)

بنام خداوند بخشنده مهربان

بر مبنای قانون اساسی و متمم آن از امروز نهم آبان ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و نه هجری شمسی که بیست و یکمین سال زندگی ام را آغاز میکنم، آمادگی خویش را برای قبول مسئولیت ها و تعهدات خود بعنوان پادشاه قانونی ایران اعلام میدارم و با توجه به وضع استثنائی کنونی، ادای سوگند نامه مندرج در قانون اساسی رابه زمانی موکول میکنم که تائیدات الهی (۱) شرائط آنرا فراهم سازد.

ولی از هم اکنون در برابر پرچم سه رنگ پرافتخار ایران، به قرآن مجید سوگند یاد میکنم که در این مقام، زندگی خود را یکسره وقف خدمت به مملکت و دفاع از استقلال و حاکمیت آن و حفظ حقوق مشروع ملت ایران کنم و همواره مجری قانون اساسی و عامل تحقق همبستگی ملی باشم.

من با نظارت در اجرای دقیق مواد قانون اساسی که در آن ضمن تضمین کلیه حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی، وظائف مقام سلطنت و قوای مجریه، مقننه، قضائیه و اختیارات قانونی هریک از آنها کاملاً مشخص شده است رسالت خود را با آگاهی به همه وظائف و تکالیف آن بعهدہ میگیرم و از نظام مشروطیت پاسداری میکنم.

خداوند نگهبان ایران باد

(۱) رسالت الهی همه چیز میتواند باشد الا رفتارندم برای سلطنت زیرا قرآن قائل به رفتارندم نیست

### مشخصات پیام اعلام سلطنت

کلیت پیام بالا بانضمام بخش ضمیمه آن که خطاب به هموطنان عزیز، خواهران و برادران است (بخش مزبور بدلیل عدم ارتباط با پیام قبول سلطنت در این تحریر آورده نشده است) یک تعهد و میثاق ملی و در فرم حقوقی تعهد و عقد منجز و قطعی است و این بدان معناست که متعهد که اعلیحضرت است نمیتواند از آن عدول کنند.

حتی با آنکه عدول از سوگند (زیرا گذاشتن سوگند از دلایل امتناع از تعهد و بطلان آن است؛ (حقوق شرعی) ولی در مورد سوگند سلطنت مقرر در قانون اساسی ضابطه شرعی مزبور قابل اجرا نیست زیرا قید لزوم سوگند سلطنت در قانون اساسی، لازمه و شرط قبول سلطنت نیست بلکه از مراتب تاجگذاری پادشاه است و پادشاهی و اعلام قبول آن با تاج گذاری که شرط سلطنت نیست تفاوت دارد. چنانکه رضاشاه و شاهنشاه آریامهر سالها بعد از قبول مسئولیت سلطنت ادای سوگند در قانون اساسی را بهنگام مراسم تاجگذاری بجا آوردند.

<sup>۱</sup> - متن کامل ویدئویی این پیام تاریخی اینجا است:

تنها موردی که در صورت اثبات، کل و جزء سوگند نامه نهم آبان اعلیحضرت را سالب الانتفاع خواهد ساخت ورود اکراه و اثبات عدم وجود قصد و رضاست، یعنی قائل شدن اصالت برای همان عبارت <آنوقت هم نبود> است.

### توضیح زیر نیاز به توجه بیشتر دارد

### جرای بوجود آمدن این آبان‌دسی

طرح هنری پرشت با محتوای تحریم سیاسی اعلیحضرت در جهت جلوگیری از تداوم سلطنت در موقع اتیان سوگند نهم آبان اعلیحضرت، کارسازی لازم را نداشت و با آنکه اعلیحضرت از طرح مزبور و تهدیدات آن آگاه بودند، معهذا طرح نتوانست مانع حرکت ولیعهد قانون اساسی بسوی جریان پادشاهی ایران بشود و البته طرح پس از مقاومت چند ساله اعلیحضرت توانست به پایگاه های مورد نظرش برسد که در مجموع میتوان آنرا در بی تفاوتی بین سلطنت و جمهوری و احاله مسئله تداوم سلطنت به همه پرسى و در آخر تبدیل به شهروند عادى شدن و کنارگیری از امر رهبری معنوی شناخت، کم، کم تحقق پذیرفت؛ اما یک جای پیشرفت طرح هنری پرشت گیر بزرگی داشت و آن سند حقوقی و میثاق ملی نهم آبان سال ۵۹ است که اعلیحضرت صریحا با اعلام قبول سلطنت تعهدات مندرج در قانون اساسی مشروطیت را برعهده گرفته اند.

وجود این سند با برنامه های طرح هنری پرشت تعارض قطعی داشت و دارد و چون سند مزبور یعنی میثاق ملی قبول سلطنت ناشی از نص قانون اساسی و سنت ۲۵۰۰ ساله آن است مفری برای جولان دادن طرح هنری پرشت و تبعات آن نمیگذارد و با همه اقدامات موفقیت آمیزی که از اجرای طرح مزبور ملاحظه میشود ولی فاقد حتی زیربنای ضعیف قانونی و حقوقی است و خاصه که طرح از جانب وزارت خارجه آمریکاست و اساسا ارزش و اعتبار سیاسی هم به آن نمیتوان داد.

طرح مسئله <از اول هم نبود> که تسری آن میتواند ناقض تمام تعهدات مندرج در پیام قبول سلطنت تلقی گردد بر محور عدم حضور قصد و نیت قاطع و تبعات آن خود نما میگردد و از آنجا که قصد و رضای بدون اکراه و تدلیس از ارکان عقد و تعهد محسوب است، لذا ادعای فقدان قصد، در عبارت خودی، پیام را بصورت یک ظاهر سازی در میآورد و این درست همان نقطه مطلوب طرح هنری پرشت است که اگر نتوانست مانع اتیان پادشاهی ولیعهد قانون اساسی بشود اکنون این پنجره را گشوده است که خود ولیعهد اعلام میدارد که قصد و نیت یاکم در اتیان سوگند سلطنت نداشته است.

### اعتبار اظهارات اعلیحضرت

به دلایل زیر اظهارات مورد اعتراض نه تنها موجه نیست که اساسا مسموع هم نیست.

۱. \*\* بیان اخیر اعلیحضرت که مورد انتقاد و اعتراض این تحریر قرار گرفته در کادر حقوق عمومی انکار بعد از اقرار محسوب میشود، و از آنجا که سوگند نهم آبان اعلیحضرت از منشاء قانون اساسی بوده است لذا اعتبار آن، حداقل در عرض اسناد رسمی است و از آنجا

که انکار نسبت به تمام یا قسمتی از سند رسمی مسموع نیستریال لذا اساسا نمیتوان برای استناد اعلیحضرت به عبارت <از اول هم نبود> قائل به تاثیر شد.

۲. \*\* دیگر آنکه حالت اکراه و تدلیس از مواردی است که باید بفوریت از آن استفاده کرد ادعای اینکه در ۴۰ سال قبل قصد من چنان که ابراز شده نبوه است، به هیچوجه شنیدنی نیست؛ این **تحریر در نهایت خضوع و احترام اجازه میخوهد تالم خود را از تکرار احتمالی آن جمله بعرض اعلیحضرت برساند.**

### چشمه دوم همه یرسی برای میراث

طرح هنری پرشت به همان چشمه ای که عرض شد اکتفا نکرده است؛ در همین مصاحبه درست پشت بند استفاده از آن جمله کذائی <در آنوقت هم نبود> میفرمایند:

«من در ۳۹ سال پیش گفتم که اختیار تصاحب این میراث رابه مردم واگذار میکنم، اکنون مبارزه برای آزادی است نه پادشاهی..»

ماهیت این بیان اعلیحضرت ناقض کلیه مراتب سوگند نهم آبان و قبول سلطنت است، و در کلام دیگر امر قبول سلطنت بشرط لاتاری گذاشتن سلطنت است یعنی همان چیزی که خلاف قانون اساسی و سنت سلطنت در تمام نظام های کشورهای سلطنتی است و باز این همان چیزی است که اعلیحضرت در سال ۶۲ در مصاحبه با پاری ماج آنرا در عبارت زیر محکوم فرمودند:

«در اینجا مایلیم از این سوء تفاهم جلوگیری کنم که قانون اساسی پیش بینی نکرده که اصل سلطنت به سوال گذاشته شود - ایران یک کشور پادشاهی است که در آن پسر جانشین پدر میشود بنابراین امکان هیچ سوء تفاهمی نباید وجود داشته باشد...»  
(مشروح درسنگر ۱۹۶)

### اعتبار این قسمت از فرمایشات اعلیحضرت

\*\*\* نخست اینکه درسند اتیان سوگند اعلیحضرت (نهم آبان ۵۹) ویا قانون اساسی مشروطه مطلقا مسئله اختیار تصاحب میراث وجود ندارد، و اینکه میفرمایند در ۳۹ سال قبل چنین شرطی شده است اشتباه و نا پذیرفته است.

اعلیحضرت برای اولین بار در مصاحبه با آقای احمد احرار بسال ۲۰۰۰ مسئله مزبور را مطرح کردند که نشریه سنگر هم به محکومیت وبی اعتباری آن تحریراتی تنظیم کرد بنابراین ۳۹ سال قبل و بموازات سوگند سلطنت نبوده که مسئله واگذاری تصاحب میراث خود را از طرف مردم مطرح فرموده اند بلکه ۲۰ سال قبل بوده است.

\*\*\* سوال اینجاست که اعلیحضرت بیانات مزبور را به اعتبار کدام نص قانون اساسی ویا سنت مشروطیت وحتی باصطلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی ویا سنت تداوم پادشاهی کشورهای جهان ایراد میفرمائید؟

اگر نصی و یا قانونی و یا سنت کهنی پشتوانه بیان اعلیحضرت در لاتاری گذاشتن سلطنت نیست، که نیست... پس نظر اعلیحضرت استوار بر قائمه **نظر** است و نظر هم نمیتواند مغایر نص و سنت و باورهای کهن مردم باشد.

\*\*\* در حالیکه درسوگند نهم آبان اعلیحضرت به وفاداری و حراست از قانون اساسی تعهد شده، و در حالیکه قانون اساسی مشروطیت صحبتی از میراث و یا قبول ورد آن ندارد چگونه این تجاوز به حریم قانون اساسی میتواند قابل توجیه باشد؟

\*\*\* اشتباه اعلیحضرت در این است که سلطنت و پادشاهی را میراث تصور فرموده اند، خیر همانطور که در نقد مصاحبه اعلیحضرت با احمد احرار عرض شد **سلطنت و پادشاهی ارثیه و لیعهد نیست، سلطنت نمادی است ملی و تاریخی که به امانت نزد شاه است و شاه مکلف است با استفاده از معنویت آن قدرت، به تعهدات و تکالیف پادشاهی عمل کند.**

میراث یک حق مادی است که ورثه میتواند آنرا بفروشد و یا تصرفات دیگر بنماید، سلطنت میراث نیست که مشمول قواعد حق و مال شود.

بنابراین؛ بیان اعلیحضرت به اینکه اختیار تصاحب این میراث را به مردم واگذار میکنم قابل قبول نیست، زیرا سلطنت میراث نیست و امانت تاریخ است.

### ضرورت بیان این نکته

ضرورت توجه به این نکته مهم است که اظهارات اعلیحضرت در مصاحبه با خلجی از نظر مفهوم و آثار حقوقی کاملاً بی سابقه و درست در تجهیز طرح هنری پرشت است و حتی در مصاحبه با آقای احمد احرار که با نیت کسب اقرار از اعلیحضرت که دیگر نماد سلطنت وجود ندارد (هوشنگ وزیری سردبیر کیهان لندن مینویسد: «رضاپهلوی که خودش خودش را شاه میخواند») به اجرا در آمد معهذاً اعلیحضرت دقیقاً احتیاط های لازم بسیاری را رعایت فرموده اند که در مصاحبه اخیر با خلجی از آن احتیاط ها خبری نبوده است به مواردی از آن اعلامات و احتیاط های اعلیحضرت توجه فرمائید:

\*\*\* سوگند نهم آبان برای این بود که طرفداران رژیم مشروطه پادشاهی بدانند که استمرار تاریخی سلطنت از بین نرفته است (وفاداری به تداوم سلطنت).

\*\*\* ایرانیان بدانند که یک آلترناتیو منطقی و مسبوق به سابقه تاریخی همچنان وجود دارد (شناسایی تداوم سلطنت بعنوان یک آلترناتیو منقی با سابقه).

\*\*\* منظورم این بود که نهاد باقی است و من این وظیفه را احساس میکنم که معرف آن باشم. در حقیقت این نقش را پذیرفتم و آمادگی خودم را برای انجام آن وظیفه اعلام کردم.

۲۰ سال پس از جریان یافتن طرح هنری پرشت هنوز اعلیحضرت خودشان را در مقام سوگند نهم آبان میدانستند.

**\*\* من چیزی را به مردم تحمیل نکردم من تمام آزادی های خودم را فداکردم که یک وظیفه نهادی را برعهده بگیرم (تائید تثبیت واصلت پیام نهم آبان سال ۵۹ حداقل تا سال ۱۳۷۸ برابر با ۲۰۰۰)**

**\*\* من این انتخاب را ازاین جهت برای خودم کردم (مقصود قبول مسئولیت پادشاهی است) و امروز هم آنرا توجیه میکنم که این نهاد را باید حفظ کرد مملکت ما بیش از ۲۵۰۰ سال تاریخ مدون شاهنشاهی دارد این تجربه ای است که نمیشود ناچیز گرفت.**

(مقایسه شود با تفکرات فلسفی که بعهد ها حتی در همین مصاحبه با خلجی با نفی آن روبرو هستیم)

**\*\* خواستم به هموطنانم گفته باشم که من آنها را فراموش نکرده ام و از نظر نهادی هم وظیفه داشتم چنان کاری بکنم (سوگند و قبول سلطنت) من به اختیارخودم ولیعهد نشده بودم، دست خودم نبود که بعنوان فرزند ذکور پادشاه و بانام خانوادگی پهلوی به دنیا آمده ام سرنوشت چنین خواسته بود و در حقیقت این وظیفه را سرنوشت به عهده من گذاشته بود.**

(با چنین اعلاماتی ازسوی اعلیحضرت، ایشان نمیتوانند نظریاتی بعدا ارائه دهند که مغایر با تکالیفی باشد که سرنوشت یک ملت کهن تاریخی برعهده ایشان محول کرده است).

### **دستآورد این تحریر**

درست است که طرح هنری پرشت حدود ۴۰ سال قبل (سال ۱۳۵۸) شروع به اجرا کرد ولی لحظه ای اجرای آن متوقف نشده است و در واقع بیانات و اقدامات اعلیحضرت وسیله ای است که با توجه به حرارت آن میتوان سرعت و قدرت حرکت آنرا دریافت- کاروان رفت و تودر خواب و بیابان درپیش کی روی ره زکه پرسى، چه كنى چون باشى؟

نا تمام